

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۰۷

سوره آل عمران (۳)

مقدمه

این سوره در مدینه نازل شده و دارای ۲۰۰ آیه است.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۰۸

فضیلت تلاوت این سوره:

در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می خوانیم: من قرء سورة آل عمران اعطی بکل آیه منها امانا علی جسر جهنم: «هرکس سوره آل عمران را بخواند به تعداد آیات آن، امانی بر پل دوزخ به اومی دهند».

و در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم: من قرء البقرة و آل عمران جائاً یوم القیامة یظلانه علی راسه مثل الغمامتین: «کسی که سوره بقره و آل عمران را بخواند، در روز قیامت همچون دو ابر بر سر اوسایه می افکنند».

محتوای سوره:

به گفته بعضی از مفسران مشهور، به نظر می رسد که این سوره در خلال سالهای جنگ بدر و جنگ احد (سالهای دوم و سوم هجرت) نازل شده است و بخشی از طوفانی ترین دورانهای زندگی مسلمین را در صدر اسلام منعکس می کند.

۱- روی هم رفته محورهای اصلی بحثهای این سوره، محورهای زیر است بخش مهمی از آن از توحید و صفات خداوند و معاد و معارف اسلامی بحث می کند.

۲- بخش دیگری پیرامون جهاد و دستورات مهم و ظریفی در این زمینه و همچنین درسهای عبرتی که در دو غزوه مهم اسلامی (بدر و احد) بود سخن

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۰۹

می گوید، و همچنین شرح امدادهای الهی نسبت به مؤمنان و حیات جاویدان شهیدان راه خدا.

۳ - در قسمتی از این سوره، به یک سلسله احکام اسلامی در زمینه لزوم وحدت صفوف مسلمین و خانه کعبه و فریضه حج و امر به معروف و نهی از منکر و تولی و تبری (دوستی با دوستان حق و دشمنی با دشمنان حق) و مساله امانت، و انفاق در راه خدا و ترک دروغ و مقاومت و پایداری در مقابل دشمن و صبر و شکیبائی در مقابل مشکلات و آزمایشهای مختلف الهی و ذکر خداوند در هر حال، اشارات پر معنایی شده است.

۴ - برای تکمیل این بحثها، بخشی از تاریخ انبیاء از جمله: آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و سایر انبیاء (علیهمالسلام) و داستان مریم و مقامات این زن بزرگ و توطئه‌های پیروان متمرّد حضرت موسی (علیه السلام) و مسیح (علیه السلام) در برابر اسلام، نیز ذکر شده است.

مطالب این سوره چنان به هم مربوط و هماهنگ است که گوئی همه آنها یک جا نازل شده است.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۱۰

آیه ۱ - ۴

آیه و ترجمه

بسم الله الرحمن الرحيم

۱ الم

۲ الله لا اله الا هو الحي القيوم

۳ نزل عليك الكتب بالحق مصدقا لما بين يديه و انزل التوراة والانجيل

۴ من قبل هدى للناس و انزل الفرقان ان الذين كفروا بايت الله لهم عذاب شديد و الله عزيز ذو انتقام

ترجمه :

به نام خداوند بخشنده بخشايشگر

۱- الم.

۲ - معبودی جز خداوند یگانه زنده و پایدار و نگهدارنده، نیست.

۳ - (همان کسی که) کتاب را بحق بر تو نازل کرد، که با نشانه‌های کتب پیشین، منطبق است، و تورات و انجیل را.

۴ - پیش از آن، برای هدایت مردم فرستاد، و (نیز) کتابی که حق را از باطل مشخص می‌سازد، نازل کرد، کسانی که به آیات خدا کافر شدند، کیفر شدیدی دارند، و خداوند (برای کیفر بدکاران و کافران لجوج)، توانا و صاحب انتقام

شان نزول :

بعضی از مفسران می‌گویند: هشتاد و چند آیه از این سوره درباره فرستادگان و مسیحیان نجران که به نمایندگی از طرف آنان برای تحقیق درباره اسلام به مدینه آمده بودند، نازل شده است.

فرستادگان، شصت نفر بودند که چهارده نفر آنان از اشراف و برجستگان نجران محسوب می‌شدند، سه نفر از این چهارده نفر سمت ریاست داشتند و مسیحیان آن سامان در کارها و مشکلات خود به آن سه نفر مراجعه می‌کردند، یکی از آنان «عاقب» بود که او را «عبدالمسیح» نیز می‌گفتند وی امیر و رئیس قوم خود محسوب می‌شد، و قوم او هیچگاه با نظریه و رای او مخالفت نمی‌کردند، دیگری «سید» نام داشت که او را «ایهم» نیز می‌گفتند، وی سرپرست تشریفات و تنظیم برنامه سفر و مورد اعتماد مسیحیان بود، نفر سوم «ابو حارثه» نام داشت که مردی دانشمند و صاحب نفوذ بود، و کلیساهای متعددی به نام او ساخته بودند، او تمام کتب دینی مسیحیان را حفظ داشت.

این گروه شصت نفری در لباس مردان قبیله «بنی کعب» به مدینه آمدند و به مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد شدند، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نماز عصر را با مسلمانان خوانده بود، این شصت نفر لباسهای زیبا و پر زرق و برق و جالب پوشیده بودند که به گفته یکی از صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) «هرگز ندیده‌ایم فرستادگانی به این زیبایی باشند»!

موقعی که آنها وارد مسجد شدند، هنگام نمازشان بود، طبق مراسم خود، ناقوس را نواختند و به طرف مشرق ایستاده، مشغول نماز شدند، گروهی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خواستند مانع شوند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: به آنها کاری نداشته باشید!

پس از نماز، «عاقب» و «سید» خدمت پیامبر رسیدند و با او آغاز سخن کردند پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به آنها پیشنهاد کرد: «به آیین

اسلام درآید و در پیشگاه خداوند تسلیم گردید».

عاقب و سید گفتند: ما پیش از تو اسلام آورده و تسلیم خداوند شده ایم! پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «شما چگونه بر آیین حق هستید، با اینکه اعمالتان حاکی است که تسلیم خداوند نیستید، چه اینکه برای خدا فرزند قایلید و عیسی را پسر خدا می دانید، و صلیب را عبادت و پرستش می کنید و گوشت خوک می خورید، با اینکه تمام این امور مخالف آیین حق است»!

عاقب و سید گفتند: اگر عیسی پسر خدا نیست، پس پدرش که بوده است؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «آیا شما قبول دارید که هر پسری شباهتی به پدر خود دارد؟» گفتند: آری.

فرمود: «آیا اینطور نیست که خدای ما به هر چیزی، احاطه دارد و قیوم است و روزی موجودات با اوست». گفتند: آری همین طور است. فرمود: «آیا عیسی این اوصاف را داشت». گفتند: نه.

فرمود: «آیا می دانید که هیچ چیزی در آسمان و زمین بر خدا مخفی نیست و خداوند به همه آنها داناست». گفتند: آری می دانیم.

فرمود: «عیسی غیر از آنچه که خدا به او یاد داده، از پیش خود چیزی می دانست؟» گفتند: نه.

فرمود: «آیا می دانید که خدای ما همان است که مسیح را در رحم مادرش همانطور که می خواست، صورتگری کرد؟»

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۱۳

گفتند: همینطور می باشد.

فرمود: «آیا چنین نیست که عیسی را مادرش مانند سایر کودکان در رحم حمل کرد، و بعد همچون مادرهای دیگر، او را به دنیا آورد؟ و عیسی پس از ولادت، چون اطفال دیگر غذا می خورد». گفتند: آری چنین بود.

فرمود: «پس چگونه عیسی پسر خدا است با اینکه هیچگونه شباهتی به پدرش ندارد»؟!

سخن که به اینجا رسید، همگی خاموش شدند، در این هنگام، هشتاد و چند آیه از اوایل این سوره برای توضیح معارف و برنامه‌های اسلام نازل گردید.

تفسیر :

کشف مفهوم حروف مقطعه قرآن با کامپیوتر

باز در آغاز این سوره به حروف مقطعه برخورد می‌کنیم «الف - لام - میم» (الم).

درباره حروف مقطعه قرآن، در اول سوره بقره، توضیحات لازم گفته شد، که نیازی به تکرار آن نیست، تنها چیزی که ذکر آن را در اینجا لازم می‌دانیم نظریه‌ای است که یک دانشمند مصری اخیراً ابراز داشته، که از نظر اهمیت موضوع فشرده آن را در اینجا می‌آوریم. البته قضاوت درباره صحت و سقم آن نیازمند بررسی فراوانی است که شاید بر عهده آیندگان باشد و ما آن را فقط به عنوان یک «نظر» ذکر می‌کنیم.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۱۴

چندی قبل، مجله معروف مصری آخر ساعة که از بزرگترین مجله‌های مصور خاورمیانه محسوب می‌گردد، گزارشی درباره تحقیقات یک دانشمند مسلمان مصری در مورد تفسیر پاره‌ای از آیات قرآن مجید به کمک مغزهای الکترونیکی منتشر ساخت که اعجاب همگان را در نقاط مختلف جهان برانگیخت.

این تحقیقات محصول سه سال کوشش پیگیر و کار مداوم «دکتر رشاد خلیفه» دانشمند شیمیدان مصری بود.

دکتر رشاد این تحقیقات را در آمریکا در شهر «سنت لوئیس» در ایالت «میسوری» انجام داد. او هم اکنون به عنوان مستشار یک شرکت غذا سازی در امریکا کار می‌کند، او برای تکمیل تحقیقات خود مدت‌ها از مغزهای الکترونیکی استفاده نمود که اجاره آنها در هر دقیقه ۱۰ دلار بود که با کمک جمعی از مسلمانان آن دیار پرداخت می‌شد!

تمام کوشش استاد مزبور برای کشف معانی حروف مقطعه قرآن یعنی حروفی مانند (ق - الم - یس، و...) صورت گرفته است، او به کمک محاسبات پیچیده‌ای ثابت کرده که رابطه نزدیکی میان حروف مزبور، با حروف سوره‌ای

که در آغاز آن قرار گرفته است، وجود دارد - دقت کنید.
بنابراین از مغز الکترونیکی تنها برای انجام محاسبه تعداد حروف سوره‌ها و به دست آوردن نسبت (و به اصطلاح «درصد») هر یک از آن حروف کمک گرفته است نه این که تفسیر آیات قرآن را از ماشین خواسته باشد.
ولی مسلماً اگر این ماشینها نبودند هیچ بشری قادر نبود به وسیله قلم و کاغذ این محاسبات را به آسانی انجام دهد!
اکنون به سراغ شرح کشف مزبور می‌رویم.

دکتر رشاد می‌گوید:

می‌دانیم قرآن مجید ۱۱۴ سوره دارد که از میان آنها

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۱۵

۸۶ سوره در مکه نازل گردیده و ۲۸ سوره در مدینه، و از میان مجموع سوره‌های قرآن ۲۹ سوره است که در آغاز آنها حروف مقطعه آمده است. جالب این که این حروف مجموعاً درست نصف حروف بیست و هشت گانه الفبای عربی را تشکیل می‌دهد و این حروف مقطعه عبارتند از: (ا - ح - ر - س - ص - ط - ع - ق - ک - ل - م - ن - ه - ی) که گاهی آنها را حروف نورانی نیز می‌نامند.

او می‌گوید: سالها بود که من می‌خواستم بدانم معنی این «حروف به ظاهر از هم بریده» در آغاز سوره‌های قرآن چیست؟ و هر قدر به تفاسیر مفسران بزرگ و آراء مختلفی که در این زمینه داده بودند مراجعه کردم قانع نشدم، از خداوند بزرگ یاری جستم و به مطالعه دست زدم، ناگهان به این فکر افتادم که شاید میان این حروف، و حروف همان سوره‌ای که آنها در آغازش قرار گرفته است رابطه‌ای وجود داشته باشد.

اما بررسی تمام حروف چهارده گانه نورانی در ۱۱۴ سوره قرآن و تعیین نسبت هر یک از آنها و محاسبات فراوان دیگری که می‌باید در این زمینه بشود چیزی نبود که بدون استخدام کامپیوتر امکان‌پذیر باشد.

لذا قبلاً تمام حروف مزبور را در ۱۱۴ سوره قرآن به طور جداگانه و همچنین مجموع حروف هر سوره را دقیقاً تعیین کرده، با شماره هر سوره، به کامپیوتر (برای انجام محاسبات بعدی) سپردم این کار و مقدمات دیگر در مدت دو سال عملی شد.

سپس این مغز الکترونیکی را یک سال تمام برای انجام محاسباتی که به آن

اشاره شد به کار گرفتیم. نتیجه این محاسبات بسیار درخشان بود و برای نخستین بار در تاریخ اسلام پرده از حقایق شگفت انگیزی برداشت که اعجاز قرآن را از نظر ریاضی (علاوه بر جنبه‌های دیگر) کاملاً روشن می‌ساخت.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۱۶

مغز الکترونیکی با محاسبات خود برای ما روشن ساخت که میزان هریک از حروف چهارده‌گانه در هر سوره از ۱۱۴ سوره قرآن به نسبت مجموع حروف آن سوره، چند درصد است.

فی المثل، پس از محاسبه می‌یابیم که نسبت حرف قاف که یکی از حروف نورانی قرآن (حروف مقطعه) است در سوره «فلق» بزرگترین رقم را دارد (۷۰۰ / ۶ درصد) و در درجه اول در میان سوره‌های قرآن است (البته به استثنای سوره ق)؛ بعد از آن سوره قیامت قرار دارد که تعداد قافهای آن نسبت به حروف سوره مزبور (۹۰۷ / ۳ درصد) می‌باشد و پس از آن سوره «الشمس» است (۹۰۶ / ۳ درصد).

و همانطور که ملاحظه می‌کنیم تفاوت سوره «قیامت» و «الشمس» فقط یک هزارم درصد است!

و به همین ترتیب این نسبت را در تمام ۱۱۴ سوره قرآن به دست می‌آوریم (نه تنها دربارۀ این یک حرف بلکه دربارۀ تمام حروف چهارده‌گانه نورانی) و به این ترتیب نسبت مجموع حروف هر یک از سوره‌ها با یکایک این حروف روشن می‌گردد.

اکنون به نتایج جالبی که از این محاسبات به دست آمده توجه فرمائید:

۱ - نسبت حرف (ق) در سوره «ق» از تمام سوره‌های قرآن بدون استثناء بیشتر است یعنی آیاتی که در طی ۲۳ سال، دوران نزول قرآن، در ۱۱۳ سوره دیگر قرآن آمده آن چنان است که حرف قاف در آنها کمتر به کار رفته است، و این راستی حیرت‌آور است که انسانی بتواند مراقب تعداد هر یک از حروف سخنان خود در طول ۲۳ سال باشد، و در عین حال آزادانه مطالب خود را بدون کمترین تکلفی بیان کند. مسلماً چنین کاری از عهده یک انسان بیرون است، حتی محاسبه آن برای بزرگترین ریاضیدانها بدون کمک مغزهای الکترونیکی ممکن نیست.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۱۷

اینها همه نشان می‌دهد که نه تنها سوره‌ها و آیات قرآن بلکه حروف قرآن نیز روی حساب و نظام ریاضی خاصی است که فقط خداوند، قادر بر حفظ آن می‌باشد.

همچنین محاسبات نشان داد که حرف (ص) در سوره «ص» نیز همین حال را دارد. یعنی مقدار آن به تناسب مجموع حروف سوره، از هر سوره دیگر قرآن بیشتر است.

و نیز حرف (ن) در سوره «ن و القلم» بزرگ‌ترین رقم نسبی را در ۱۱۴ سوره قرآن دارد. تنها استثنائی که در این زمینه وجود دارد، سوره حجر است که تعداد نسبی حرف (ن) در آن بیشتر از سوره (ن و القلم) است، اما جالب این است که سوره حجر یکی از سوره‌هایی است که آغاز آن (الر) می‌باشد و بعدا خواهیم دید این سوره‌ها که آغاز آنها (الر) است باید همگی در حکم یک سوره محسوب گردد، و اگر چنین کنیم نتیجه مطلوب به دست خواهد آمد یعنی نسبت تعداد (ن) در مجموع اینها از سوره (ن و القلم) کمتر خواهد شد!

۲ - چهار حرف (المص) را در آغاز سوره اعراف در نظر بگیرید، اگر الفها، میم‌ها، و صادهائی که در این سوره وجود دارد با هم جمع کنیم، و نسبت آن را با حروف این سوره بسنجیم، خواهیم دید که از تعداد مجموع آن در هر سوره دیگر قرآن بیشتر است!

همچنین چهار حرف (المر) در آغاز سوره رعد همین حال را دارد، و نیز پنج حرف (کهیص) در آغاز سوره مریم اگر روی هم حساب شوند، از مجموع این پنج حرف در هر سوره دیگر قرآن فزونی دارند!

در اینجا به چهره تازه‌تری از مسئله برخورد می‌کنیم که نه تنها یک حرف جداگانه در این کتاب آسمانی روی حساب و نظم خاصی گسترده شده، بلکه حروف متعدد آن نیز چنین وضع حیرت‌آوری را دارد - دقت کنید.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۱۸

۳ - تا کنون بحث درباره حروفی بود که تنها در آغاز یک سوره قرآن قرار داشت، اما حروفی که در آغاز چند سوره قرار دارد (مانند المر و الم) شکل دیگری به خود می‌گیرد، و آن اینکه بر طبق محاسبات کامپیوتری مجموع این سه حرف مثلاً (ا - ل - م) اگر در مجموع سوره‌هایی که با «الم» آغاز می‌گردد حساب شود، و نسبت آن با مجموع حروف این سوره‌ها بدست آید، از میزان آن در هر یک از سوره‌های دیگر قرآن بیشتر است.

در اینجا باز مسئله صورت جالبتری به خود گرفته و آن اینکه نه تنها حروف هر سوره قرآن تحت ضابطه و حساب معینی است، بلکه مجموع حروف سوره‌های مشابه نیز ضابطه و نظام واحدی دارند. ضمناً نکته این موضوع نیز روشن می‌شود که از چه رو چند سوره مختلف قرآن با «الم» یا با «الم» آغاز شده و این یک موضوع تصادفی و بی دلیل نیست.

(دکتر رشاد سپس محاسبات پیچیده‌تری روی سوره‌های مشتمل بر «حم» انجام داده است که برای اختصار از آن صرف نظر می‌کنیم). استاد مزبور ضمن این مطالعات به نکات دیگری نیز دست یافته که به ضمیمه نکات تازه‌ای که می‌توان از آن استنتاج کرد از نظر خوانندگان می‌گذرانیم:

۱ - رسم الخط اصلی قرآن را حفظ کنید

او می‌گوید تمام این محاسبات در صورتی صحیح است که به رسم الخط اصلی و قدیمی قرآن دست نزنیم (مثلاً اسحق و زکوة و صلوة را به همین صورت بنویسیم، نه اسحاق و زکات و صلاة) در غیر این صورت محاسبات ما به هم خواهد خورد.

۲ - دلیل دیگری بر عدم تحریف قرآن

این تحقیقات نشان می‌دهد که در قرآن مجید حتی یک حرف هم کم و زیاد

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۱۹

نشده، و الا بطور مسلم محاسبات ما روی قرآن کنونی صحیح از آب در نمی‌آمد.

۳ - اشارات پر معنی

در بسیاری از سوره‌های قرآن که با حروف مقطعه آغاز می‌شود پس از ذکر این حروف، اشاره به حقانیت و عظمت قرآن شده مانند: «الم ذلک الکتاب لا ریب فیه».

و امثال آن. و این خود اشاره لطیفی به ارتباط حروف مزبور با اعجاز قرآن است. نتیجه بحث - از مجموع بحث فوق چنین نتیجه می‌گیریم که حروف قرآن مجید که در طی ۲۳ سال بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده حساب بسیار دقیق و منظمی دارد و هر یک از حروف الفبا با مجموع حروف هر سوره دارای یک نسبت ریاضی کاملاً دقیق است که حفظ و نگهداری چنین نسبتی برای بشر - بدون استفاده از مغزهای الکترونیکی - امکان‌پذیر نیست.

شک نیست که بررسیهای دانشمند مزبور چون در آغاز راه است خالی از نقایصی نیست که باید با حوصله تمام به وسیله دانشمندان دیگر تکمیل گردد، به همین دلیل ما هیچگونه تضمینی بر صحت و سقم (درستی و نادرستی) آن نمی‌دهیم تا مطالعات دیگری روی آن انجام شود اکنون به ادامه تفسیر آیات سوره می‌پردازیم:

در دومین آیه می‌فرماید: «خداوند تنها معبود یگانه یکتای جاویدان و پایدار است که همه چیز به وجود او بستگی دارد» (الله لا اله الا هو الحی القيوم). شرح و تفسیر این آیه در سوره بقره آیه ۲۵۵ گذشت.

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۲۰

در آیه بعد خطاب به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: خداوندی که پاینده و قیوم است «قرآن را بر تو فرستاد که بانشرانه‌های حق همراه و با نشانه‌های کتب آسمانی پیشین، کاملاً تطبیق می‌کند همان خدائی که تورات و انجیل را پیش از قرآن برای راهنمایی و هدایت بشر نازل کرد» (نزل عليك الكتاب بالحق مصدقا لما بين يديه و انزل التوریه و الانجیل من قبل هدی للناس).

سپس می‌افزاید «همچنین قرآن را که حق را از باطل جدا می‌سازد نازل کرد» (و انزل الفرقان).

و بعد از اتمام حجت و نزول آیات از سوی خداوند و گواهی فطرت و عقل بر صدق دعوت پیامبران، راهی جز مجازات نیست، و لذا در آیه فوق - به دنبال بحثی که درباره حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و قرآن مجید گذشت، می‌فرماید: «کسانی که به آیات خدا کافر شدند کیفر شدیدی دارند» (ان الذين كفروا بايات الله لهم عذاب شديد).

و برای اینکه تصور نشود، توانائی خداوند بر تهدیداتش جای تردید است، می‌افزاید: «خداوند توانا و صاحب انتقام است» (و الله عزيز ذو انتقام).

«عزیز» در لغت به معنی هر چیز مشکل غیر قابل نفوذ و غالب می‌باشد. لذا

زمینی که عبور از آن به سختی انجام می‌گیرد «عزاز» نامیده می‌شود و

نیز هر چیز که بر اثر کمیابی دسترسی به آن مشکل باشد «عزیز» نامیده

می‌شود. همچنین افراد نیرومند و توانا که غلبه بر آنها «مشکل» یا «غیر

ممکن» است عزیز هستند و هر کجا کلمه «عزیز» بر خدا اطلاق می‌شود

به همین معنی است یعنی هیچکس قادر بر غلبه بر او و شکست او نیست و همه

در جمله بالا برای اینکه کافران بدانند این تهدید کاملاً جدی است می‌فرماید: خداوند قادر است و به همین دلیل کسی نمی‌تواند در برابر تحقق یافتن تهدیدهای او مقاومت کند، زیرا همانطور که او در جای خود فوق العاده «رحیم و مهربان» است در برابر آنها که شایسته رحمت نیستند عذاب شدید و انتقام دردناک دارد.

البته «انتقام» در اصطلاح امروز بیشتر در مواردی به کار می‌رود که اشخاص بر اثر عدم گذشت در برابر خلافکاریها یا اشتباهات دیگران دست به عمل متقابل می‌زنند و حتی مصلحت خود را در عفو و گذشت در نظر نمی‌گیرند این صفت مسلماً صفت پسندیده‌ای نیست زیرا انسان در بسیاری از موارد باید عفو و گذشت را بر مقابله به مثل مقدم بدارد ولی «انتقام» در اصل لغت به این معنی نیست، بلکه به معنی کیفر دادن گناهکار است و مسلم است که مجازات گناهکاران گردنکش و ستمگر نه تنها کار پسندیده‌ای است بلکه صرف نظر کردن از آنها مخالف عدالت و حکمت است.

نکته‌ها

۱ - «حق» در اصل به معنی «مطابقت و هماهنگی» است و به همین دلیل به آنچه با واقعیت موجود، تطبیق می‌کند، حق گفته می‌شود، و اینکه به خداوند «حق» می‌گویند به خاطر آن است که ذات مقدس او بزرگترین واقعیت غیر قابل انکار در عالم هستی است، و به عبارت روشنتر: حق یعنی موضوع ثابت و پابرجائی که باطل به آن راه ندارد.

در آیه مورد بحث، باء «بالحق» به اصطلاح برای «مصاحبت» است، یعنی ای پیامبر! خداوند، قرآن را که همراه با نشانه‌های واقعیت است بر تو فرو فرستاد.

۲ - «تورات» در اصل یک لغت عبری است که به معنی «شریعت و قانون» می‌باشد و سپس به کتابی که از طرف خداوند بر موسی بن عمران (علیهما السلام) نازل گردید

پنجگانه» آن نیز گفته می‌شود.

توضیح اینکه: مجموعه کتب یهود که «عهد عتیق» نامیده شده، مرکب از تورات و چندین کتاب دیگر می‌باشد، تورات دارای پنج‌بخش است که به نامهای: سفر «پیدایش»، سفر «خروج»، سفر «لاویان» سفر «اعداد»، و سفر «تثنیه» نامیده شده‌است، این قسمت از کتب عهد قدیم، شرح پیدایش جهان و انسان و مخلوقات دیگر و قسمتی از زندگی انبیاء پیشین و موسی بن عمران و بنی اسرائیل و احکام این آیین می‌باشد. کتب دیگر این مجموعه که در واقع نوشته‌های مورخان بعد از موسی (علیه السلام) است شرح حالات پیامبران و ملوک و پادشاهان واقوامی است که بعد از موسی بن عمران به وجود آمده‌اند.

ناگفته پیداست که غیر از اسفار پنجگانه تورات، هیچ یک از این کتب، کتب آسمانی نیستند و خود یهود نیز چنین ادعائی را ندارند و حتی «زبور» داوود که آن را به عنوان «مزامیر» می‌نامند، شرح مناجات‌ها و اندرزهای داوود است.

و اما در مورد اسفار پنجگانه تورات، قرائن روشنی در آنها وجود دارد که نشان می‌دهد اینها نیز کتب آسمانی نیستند، بلکه کتابهای تاریخی هستند که بعد از موسی بن عمران نوشته شده است، زیرا در آنها شرح وفات موسی (علیه السلام) و چگونگی تدفین او و پاره‌ای از حوادث بعد از وفات موسی نیز آمده است، مخصوصاً آخرین فصل سفر پنجم (سفر تثنیه) به وضوح ثابت می‌کند که این کتاب، مدتها بعد از وفات موسی بن عمران به رشته تحریر در آمده است. به علاوه محتویات این کتب که آمیخته با خرافات فراوان و نسبتهای ناروا به انبیاء و پیامبران الهی و بعضی سخنان کودکانه می‌باشد، گواه دیگری بر ساختگی بودن آنها است.

شواهد تاریخی نیز نشان می‌دهد که تورات اصلی از میان رفت و بعداً پیروان

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۲۳

موسی بن عمران، این کتابها را به رشته تحریر در آوردند.

۳ - «انجیل» در اصل، کلمه یونانی است که به معنی «بشارت» یا «آموزش جدید» آمده است و نام کتابی است که بر حضرت عیسی (علیه السلام) نازل شده است، قابل توجه اینکه قرآن در آیه مورد بحث و هر جا که از کتاب عیسی (علیه السلام) نام برده «انجیل» را به صورت مفرد آورده

است، و نزول آن را از طرف خدا معرفی می کند، بنابراین اناجیل بسیاری که بین مسیحیان متداول است، حتی معروفترین آنها یعنی انجیلهای چهارگانه (لوقا، مرقس، متی و یوحنا) وحی الهی، نیستند، همانگونه که خود مسیحیان نیز انکار نمی کنند که این انجیلهای موجود، همه به دست شاگردان، یا شاگرد شاگردان، حضرت مسیح (علیه السلام) و مدتها بعد از او نوشته شده است، منتها آنان ادعا می کنند که شاگردان مسیح، این اناجیل را با الهام الهی نوشته اند.

در اینجا مناسب است بررسی فشردهای درباره عهد جدید و اناجیل نموده و با نویسندگان آنها آشنا شویم:

مهمترین کتاب مذهبی مسیحیان که تکیه گاه عموم فرق مسیحی می باشد و همچون کتاب آسمانی روی آن تکیه می کنند، مجموعه ای است که آن را «عهد جدید» می نامند.

«عهد جدید» که مجموع آن بیش از یک سوم عهد قدیم نیست از ۲۷ کتاب و رساله پراکنده در موضوعات کاملاً مختلف تشکیل یافته به این ترتیب:

۱ - انجیل متی این انجیل به وسیله «متی» یکی از شاگردان دوازده گانه مسیح (علیه السلام) در سال ۳۸ میلادی و به عقیده بعضی دیگر بین سالهای ۵۰ تا ۶۰

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۲۴

میلادی نگارش یافته است.

۲ - انجیل مرقس طبق تصریح کتاب قاموس مقدس صفحه ۷۹۲، مرقس از حواریون نبوده ولی انجیل خود را زیر نظر «پطرس» تصنیف نموده است. مرقس در سال ۶۸ میلادی کشته شد.

۳ - انجیل لوقا - «لوقا» رفیق و همسفر «پولس» رسول بود، پولس مدتی پس از عیسی به دین مسیح گروید و در زمان وی، یهودی متعصبی بود، وفات لوقا را در حدود سنه ۷۰ میلادی نوشته اند و به گفته نویسنده قاموس مقدس (صفحه ۷۷۲) «تاریخ نگارش انجیل لوقا به زعم عمومی تخمیناً ۶۳ میلادی است».

۴ - انجیل یوحنا - «یوحنا» از شاگردان مسیح و از رفقا و همسفرهای پولس می باشد. و به گفته نویسنده مزبور به شهادت اغلب نقادین (محققین) تألیف آن را به اواخر قرن اول نسبت می دهند.

از مندرجات این اناجیل که عموماً داستان به دار آویختن مسیح و حوادث بعد از آن را شرح می‌دهند به خوبی ثابت می‌شود که همه این اناجیل، سالها بعد از مسیح نگاشته شده‌اند و هیچکدام کتاب آسمانی نازل شده بر مسیح (علیه السلام) نیستند.

۵ - اعمال رسولان (اعمال حواریان و مبلغان صدر اول).

۶ - رساله از نامه‌های پولس به اقوام و افراد مختلف.

۷ - رساله یعقوب (بیستمین رساله از کتب و رساله‌های بیست و هفت گانه عهد جدید).

۸ - نامه‌های پطرس (رساله ۲۱ و ۲۲ عهد جدید).

۹ - نامه‌های یوحنا (رساله ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ عهد جدید).

۱۰ - نامه یهودا (رساله ۲۶ عهد جدید).

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۲۵

۱۱ - مکاشفه یوحنا (آخرین قسمت عهد جدید).

بنابراین طبق تصریح مورخان مسیحی و طبق گواهی صریح اناجیل و سایر کتب و رساله‌های عهد جدید، هیچ یک از اینها، کتاب آسمانی نیستند و عموماً کتابهایی هستند که بعد از مسیح (علیه السلام) نگاشته شده‌اند و از این بیان، چنین نتیجه می‌گیریم که انجیل، کتاب آسمانی مسیح از میان رفته و امروز در دست نیست، تنها قسمتهایی از آن را شاگردان مسیح در اناجیل خود، آورده‌اند که متأسفانه آن نیز آمیخته با خرافاتی شده است. اما اینکه بعضی می‌گویند: مسلمانان نباید در صحت اناجیل و تورات موجود، تردید کنند، زیرا قرآن مجید آنها را تصدیق کرده است و به صحت آنها گواهی داده، پاسخ آن را در جلد اول صفحه ۲۱۰ در ذیل آیه «و آمنوا بما انزلت مصداقاً لما معکم» مشروحاً خاطر نشان کردیم.

۴ - پس از ذکر تورات و انجیل چنانکه دیدیم به نزول قرآن اشاره شده است آن هم به عنوان «فرقان» اما اینکه چرا قرآن، «فرقان» نامیده شده؟ به خاطر این است که «فرقان» در لغت به معنی «وسیله تمیز حق از باطل» است و بطور کلی هر چیزی که حق را از باطل، مشخص سازد، «فرقان» نام دارد و لذا روز جنگ بدر در قرآن به عنوان «یوم الفرقان» نامیده شده زیرا در آن روز ارتش کوچکی که فاقد هرگونه ساز و برگ جنگی بود بر ارتش نسبتاً بزرگ و نیرومندی که از هر جهت بر او برتری داشت، پیروز شد، همچنین به

معجزات ده‌گانه موسی (علیه السلام) نیز «فرقان» اطلاق شده است.

قبـل ←

↑ فرست

→ قبـل